

۱۱۸۴۱۲۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روزی که شادی امدماران شد

خاطرات بمباران مدارس کرمانشاه

نوشته شعله جهانگیری دانش آموز دوره راهنمایی و دبیرستان ساهای بمباران

روزی که شادی ام بمباران شد
نویسنده: شعله جهانگیری
بازنویسی: موسسه فرهنگی هنری رسول آفتاب
تصویرگر: نسرين رحيمي
طرح جلد و صفحه آرايي: مريم فرخي
حروفچيني: الهام فرخي
ناشر: رسول آفتاب
وابسته به موسسه فرهنگي هنري رسول آفتاب
تاريخ و نوبت چاپ: اول - پاييز ۱۳۹۱
تيراژ: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۱۹۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰

سرشناسه: هانگری، شعله، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور: روزی که شادی ام بمباران شد: خاطرات شعله جهانگیری
از روزهای بمباران مدارس / ویرایش موسسه فرهنگی هنری رسول آفتاب.
مشخصات نشر: تهران: رسول آفتاب، ۱۳۹۱.

چاپ: چاپخانه روزنامه جوان

مشخصات ظاهري: ۴۸ ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۱۹۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: جهانگیری، شعله، ۱۳۴۷ - -- خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - -- خاطرات

شناسه افزوده: موسسه فرهنگی هنری رسول آفتاب

رده بندی کنگره: DSR/۱۶۲۹ ج/۱۳۹۱۳۲۹

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۱۳۵۶۱

نشر رسول آفتاب (وابسته به موسسه فرهنگی هنری رسول آفتاب)

شماره تماس: ۰۲۱-۳۶۱۶۱۷۷۷

پست الکترونیکی: info@rasouleaftab.ir

www.rasouleaftab.ir



فهرست

صفحه	عنوان
	اشاره
۱۴	وزن که شادی ام بمباران شد
۲۰	مادر، کی به اقبال بچه اش می گشت
۲۵	نمره قبونی
۲۹	وضوی شهادت
۳۳	غش
۳۷	خانم حباب
۴۲	جای خالی فرزانه
۴۷	رامین

شعله جهانگیری دانش آموز دوم راهنمایی مدرسه ی کرمانشاه بود. او شب ها درحالی چشم بر فعالیت روزانه می بست که هر لحظه احتمال می داد با انفجاری مهیب سقف خانه روی سر خود و اهل خانه خراب شود. صبح که راهی مدرسه می شد یک چشم بر زمین داشت و چاله چوله های سر راه و یک چشم به آسمان و اشیاء ریز و درخشان که با فشردن یک تکه، کودکان را به سر می زد، می کرد و اولیا را داغدار فرزند.

مدرسه مدتی به جنگ بود. وسط امتحان، در لحظه های گل تدریس، در خانه می حل تمرین، ناگهان بلندگوی مدرسه آژیر خطر می کشید و این دنیا لحظه ای بود که هیچ دانش آموزی برای خروج از کلاس اجازه نداشت. چرا که آنها به خاک و خون غلتیدن دانش آموزان را می انداخت و کتاب و میز و نیمکت به چشم دیده بودند. با این حال زندگی جریان داشت. درس و مدرسه تعطیل نمی شد و کودکان یاد می گرفتند. بودند مثل بزرگتر ها زیر بمباران زندگی کنند، درس بخوانند. دشمن را به زانو درآورند. شعله جهانگیری امروز معلم است. او در حالی خاطرات روز های سخت تحصیل خود را مرور می کند که می داند هیچ دانش آموزی در کشور پهناور ایران اسلامی نمران نرو ریختن سقف کلاس بر سر معلم و دانش آموزان نیست.

در پایان از: محمود رضا پیرهادی- الهام فرخی و ساسان توسلی که در بازنویسی و ویرایش اثر دخیل بودند، سپاسگزاری می شود.